

گزارش مراسم یادمان آذر درخشان در پاریس – 8 ژوئن 2013



مراسم بزرگداشت آذر درخشان با شرکت نزدیک به نود نفر و با خوش آمدگویی و معرفی برنامه ها توسط سهیلا قادری آغاز شد. او اشاره به حوادث جاری در ترکیه گفت: "ما بسیار شادمانیم که در شرایطی مراسم یادمان آذر را برگزار می کنیم که موج هوای تازه ای خاورمیانه را فرا گرفته است. این بار شاهد بیخیزی مردم ترکیه هستیم که با تاریخ اندیشی و چهل حکومت مذهبی مبارزه می کنند و به یکی از پایگاههای مهم نظم نوین جهانی ضربه وارد می کنند. آذر و آذر ها همیشه در مبارزات توده ای حضور دارند. ما نیز همبستگی خود را با زنان، جوانان، زحمتکشان ترك و کرد اعلام می داریم" سپس سهیلا از همه ی حضار خواست تا با يك دقیقه سكوت برای آذر درخشان ادای احترام کنند.





يك دقيقه سكوت با اجرای سرود انترناسیونال توسط ویرجینی پوشن خواننده ی فرانسوی شکسته شد. پس از آن، ویرجینی چندین ترانه از خوانندگان مترقی ای چون جان لنون، تریسی چاپمن و رودریگز... را اجرا کرد



پیام کمیته ی بزرگداشت آذر درخشان توسط مهری زند خوانده شد. او در بخشی از این پیام چنین گفت:
 "...آذر صدای زنان ایران بود که خواهان دفن نظام مذهبی حاکم بر ایران بوده و هستند. او همواره به مردان فراخوان می داد که امتیازات نظام سرمایه داری را بدور اندازند، با خودخواهی های مردانه مبارزه کنند، جنبه های زنانه خویش را دریابند و با نیمه زن ستیز خود مقابله کنند... آذر ارمغان تلاش بخشهای آگاه و پیشرو جامعه در دوره سی ساله گذشته بوده است. شاخه ای پر بار از جنگلی سرسبز. دستاوردی که متعلق به همه کسانی است که قلبشان برای رهایی ستمدیدگان و استثمارشدگان جهان می تپد. با وجود چنین دستاوردهایی است که ما بهتر می توانیم دنیایی عاری از ستم و استثمار را مجسم کنیم..."



شهره به خواندن متنی که دربرگیرنده ی گزیده ای از سخنان آذر بود، پرداخت:

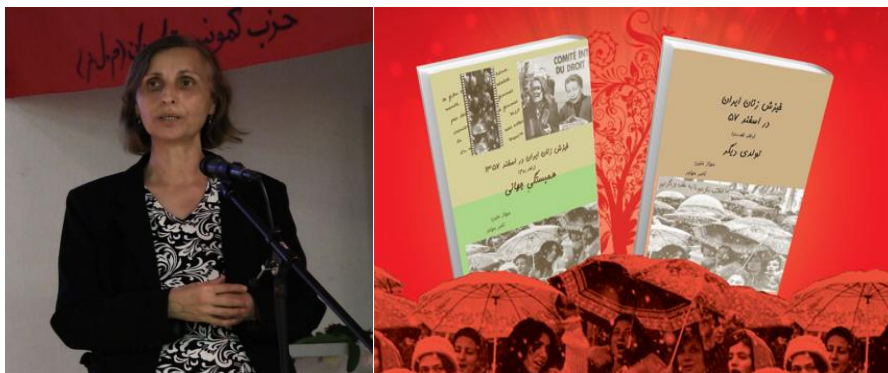
"...زمانی که شکست خوردیم. برای من یک چیز مسجل بود، حاضر نبودم مبارزه را رها کنم به دلایل گوناگون، یکی اینکه فکر می کردم خیلی از کسانی که من بسیج کردم کشته شدند و آن آرمانها واقعی بوده و آنها هم زندگی را دوست داشتند و من باید راهشان را ادامه دهم. این برایم روشن بود. آدم نمی تواند در برابر جنایت بی تفاوت باشد. وانگهی شعله را نباید بگذاریم خاموش شود. آدم به جوامع بشری و تکاملاتشان نگاه میکند و می بیند که همیشه شعله هایی برکشیده شده و نیروهای متحجر که نمی خواستند جامعه عوض شود همواره میخواستند آن را خاموش کنند. یک عده اقلیت هم می ماندند، نگهش می داشتند تا وقتی که فراگیر و اکثریت شود. این مساله یکی از انگیزه ها 24 ساعت در 24 ساعت فعالیتهای من هم بود..."



برنامه با نمایش فیلم "آذر ما" کاری از سیروس ماهان با هم یاری مسعود رئوف ادامه یافت.



برنامه ی بعدی توسط روشنگ جابری، طراح رقص و رقصنده ایرانی – کانادایی اجرا شد که قطعه ای از رقص "در پشت دیوارهای خونین" را به روی صحنه آورد. این رقص بازتاب تجربه زندگی و مقاومت زنان زندانی سیاسی در دهه 1360 در زندانهای جمهوری اسلامی است که بخشی از پروژه دکتر شهرزاد مجاب و "بتنی جی اوزبورن" به نام "خاطرات، یادمانده ها و هنر: زنان زندانی سیاسی" می باشد. روشنگ این رقص را با الهام از تجربه و خاطرات زنان زندانی سیاسی طراحی کرده است. او هدف از طراحی و اجرای این رقص را مستند کردن جنایتی هولناک می داند تا خاطره برجای ماندگان از آن تجربه خونین را بازتاب دهد، یادگسائی را که جان باختند را گرامی بدارد و صدای کسانی باشد که هنوز با آن تجربه زندگی می کنند .



مهناز متین در بخشی از برنامه، به معرفی کوتاهی از کتاب خود پرداخت. او به همراه ناصر مهاجر کتاب «خیزش زنان ایران در اسفند 57» را در دو جلد 1000 صفحه توسط نشر نقطه در شهر کلن آلمان به چاپ رسانیده اند. عنوان جلد اول این مجموعه، تولدی دیگر و جلد دوم، همبستگی جهانی است. این کتاب به حرکت اعتراضی زنان به حجاب اجباری در اسفند 57 می پردازد.



فریبا امیرخیزی بیانیه ای علیه خشونت را خواند که یکی از نوشته های تبلیغی برجسته ی آذر درخشان است. "...زنجیره ی جهانی خشونت، میلیون ها زن را در کنار یکدیگر قرار داده است. خشونتی که روزانه بیش از 3 میلیارد زن در چهار گوشه ی جهان تجربه می کنند. در شهر و روستا، خانه و محل کار، خیابان و کوچه. در اسارت زنجیرهای خشونتیم. زنجیری که دو سرش با حلقه های خشونت دولتی و خانگی به هم جوش خورده است. زنجیره خشونتی به قدمت هزاران سال و به درازای همه ی مرزهای جهان! اما هر قدر زنجیر خشونت جهانی تر شده است، مبارزه و مقاومت زنان نیز ابعاد جهانی بیشتری به خود گرفته است. از دوردستها صدای مبارزه و مقاومت یکدیگر را می شنویم و قلب مان می تپد. از مبارزات یکدیگر الهام می گیریم و از پیروزی های مان احساس غرور و جسارت می کنیم. هر پیشروی زنان در هر نقطه ای از جهان را از آن خود می دانیم. اینک مائیم در صفوف میلیونی، با رشته پیوندهای محکم برای در هم شکستن زنجیرهای ستم و بردگی تاریخی مان و بنا نهادن جامعه ای بدون ستم و استثمار. بر سرعت گامهای خود بیفزاییم، دیر کرده ایم. آینده کوبه بر در زمان میزند."



زنان هشت مارس، تئاتر "مونولگ های واژن" را به کارگردانی مهران دخت روی صحنه آوردند. این تئاتر که یکی از برجسته ترین نمایش های فمینیستی است توسط "ایو انسلر" فمینیست آمریکایی در سال 1996 نوشته شد. در این نمایشنامه، خشونت که بر زنان اعمال می شود از زبان واژنهای مختلف بیان می شود. انسلر این نام را برای نمایش خود را برگزید تا برخوردی باشد به شرم و حیای بی موردی که زنان نسبت به تن و بدن خود دارند. در این نمایش که اولین بار در زیر زمین یک تئاتر کوچک در محله "سوهو" نیویورک اجرا شد، 15 زن، از زبان 15 واژن، لب به سخن گشودند و از ستمی که بر آنها رفته صحبت کردند. این نمایش تا کنون به 49 زبان ترجمه شده و در 130 کشور اجرا شده است. ویژگی روشنگرانه و آگاهگرانه این نمایش، باعث شد که این نمایش به یکی از کارهای برجسته هنر فمینیستی معاصر بدل شود.



زنان هشت مارس 4 مونولوگ از این تئاتر را انتخاب و اجرا کردند.
 "واژن من، دهکده من" نام مونولوگ اول بود که برگرفته از مصاحبه با زنان بوسنیایی است که مورد تجاوز گروهي
 سربازان قرار گرفته بودند.
 مونولوگ دوم نامش "چون دوست داشت نگاهش کند" بود. برگرفته از تجربه هم‌وابگي زني با مردی به نام باب، تجربه
 خوبی که حس و فکرش را نسبت به واژن تغییر داد.
 "موچولي که تونست" نام مونولوگ سوم بود. که برپایه خاطره دردناك دختری که در بچه گي به او تجاوز شده، نوشته شد.
 در عین حال از تجربه خوشایند جنسي که در 16 سالگی با زن دیگری داشته یاد می کند.
 مونولوگ آخر، به نام "سیل" بر اساس مصاحبه با زن مسن 72 ساله ای تنظیم شده که از تجربه تلخ اولین رابطه جنسي خود
 سخن می گوید.



پری خواهر آذر، به نمایندگی از دیگر اعضای خانواده، از کمیته ی مراسم بزرگداشت آذر، از حزب کمونیست ایران (مارکسیست – لنینیست – مائوئیست)، سازمان زنان هشت مارس (ایران – افغانستان) و تمام دوستان و رفقای که در برپائی مراسم نقش داشتند و یا در مراسم حضور یافتند تشکر کرد و از خاطرات مشترک خود و آذر سخن گفت.

برنامه ی بزرگداشت مراسم آذر درخشان با خواندن سرود انترناسیونال توسط حضار به پایان رسید.



در حاشیه ی مراسم، "آن" هنرمند فرانسوی زبان، پداگوژ و متخصص در کار با رنگ و خاک رس و تئاتر، کارگاه کوچک هنری را برگزار کرد. دوستان و رفقای آذر با تکیه به احساسات و خاطراتشان از آذر و با راهنمایی های "آن" آثار هنری زیبایی را ایجاد کردند که در سالن مراسم، در معرض نمایش قرار داده شدند.



در طی مراسم، پوستر تبلیغی و فهرست موضوعی جلد دوم کتاب آذر با عنوان "تنها صداست که می ماند.." در اختیار شرکت کنندگان قرار گرفت. لازم به ذکر است که این کتاب به زودی و به صورت ایبوک در اینترنت قرار خواهد گرفت.



ساعت 12 ظهر روز یکشنبه 9 ژوئن جمعي از دوستان، ياران و رفقای آذر در آرامگاه پرلاشز گرد آمده و لوح سنگي يادبود را بر سر مزار وي قرار دادند و به سرود خواني پرداختند. برخي از افراد احساسات خود را نسبت به آذر بيان کردند. برخي ديگر از نقشي که آذر در زندگي مبارزاتي شان داشت و همچنين نقشي که آذر در جنبش زنان و جنبش کمونيستي ايفا کرد ياد کردند. در خاتمه جمعيت با خواندن سرود انترناسيونال با وي تجديد عهد کردند.

سازمان زنان هشت مارس (ايران – افغانستان)

11 ژوئن 2013